

عمیاء

شماره بیست و شش. آبان ۱۳۹۲

در این شماره:

حضور زنان در هیئت دولت
نگاه به کنفرانس بنیاد پژوهش‌ها زنان
تعمیر خودم بود! (گزارش ارسال)
خبرگاه (اعتراض پرستاران، ورزش زنان، گزارش سازمان ملل)
مرکز خشونت در اروپا (مصاحبه با یک زن ایرانی)

continue...



facebook:
<http://tinyurl.com/kfwpbh8>
<http://tinyurl.com/osyan-osyan>

osyan.osyan@gmail.com
<http://nashriyeosyan.wordpress.com/>

حضور زنان در هیئت دولت

سر مقاله

کردن زن یعنی به دنبال این بودن که مشاغل گوناگونی را که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است بکشاند به سمت بانوان و این را یک افتخار و امتیاز برای زن قرار بدن. ما در مقابل این دچار انفعال شده و دور خورده‌ایم. نادانسته و ناخواسته این گفتمان را قبول کردیم. ما الان افتخار می‌کنیم که فلان تعداد زن در بخش‌های اجرایی کشور داریم. اشتباه نشه از اینکه این بانوان در این مناسب اجرایی باشند من مشکلی ندارم، یعنی منع نمی‌کنم، نفی نمی‌کنم ایرادی هم برایش قایل نیستم. فرض کنید وزیر بهداشت یه خانم بود یا معاونان ریس جمهور در بینشان خانم‌ها هستن. این از نظر من اشکال نداره اونیه که اشکال داره افتخار به این است» این نظرات هم که با دست پس می‌زند و با پا پیش می‌کشد. با نفی حضور زنان در عرصه اجتماع، از آگاهی زنان و اقدامات رادیکال آنها بیم دارد و سعی دارد تا با توصیه‌های ضد زن در جهت فرودست نگه داشتن زنان اقدام نماید. نمایندگان سرکوب هم به خوبی با طرح کردن مطالبات حداقلی در جهت تعدیل نیروی خشم و رادیکالیسم زنان اقدام می‌نمایند و با پر رنگ نمودن موضوع حضور زنان در مناسبات قدرت به کم رنگ نمودن افق مبارزات زنان خدمت کردند. حضور افخم به عنوان سخنگوی وزارت امور خارجه و استفاده از زنان در هیئت دولت نیز نوعی عوامفریبی کهنه است که از سوی اصلاح طلبان برای فروکش نمودن خشم زنان از نظام حاکم به کار می‌رود. پیام اصلی این جناح از حکومت همواره این است که ای زنان، بیایید در ستم و سرکوبگری بر هم جنسان خود شریک شوید، اینست حقیقت اصلی سهم‌گیری از قدرت سیاسی در نظام موجود.

زنان اصلاح طلب به پیروی از تئوری اصلی اصلاحات، همواره خواستار حضور زنان در قدرت سیاسی و سهم‌گیری از مناسبات قدرت اند تا بتوانند با چانه زنی از بالا، به مطالبات حداقلی خود دست یابند. از نظر افرادی مانند نوشین احمدی خراسانی، لابی کردن با بخش‌هایی از قدرت، امکان پذیرترین راه ممکن برای رسیدن مردم به مطالباتشان است. این نگرش بر حفظ شرایط موجود تأکید دارد و می‌خواهد در قالب قوانین موجود فعالیت کند. قوانینی برخاسته از کتابی به نام قرآن که حاوی ایدئولوژی زن ستیز اسلامی است، چگونه می‌تواند قالب مناسبی برای فعالین جنبش زنان باشد؟ چگونه می‌توان با حضور در هیئت حاکمه‌ای که بر این قوانین استوار است، اعمال قدرت کرد و با لابی کردن، مطالبات زنان را بدست آورد؟ کسانی که ایده‌هایی مشابه ارائه کردند، هدفی جز کسب خواست‌هایی سطحی ندارند. آنها با ارائه ایده‌های غیر واقعی نظیر آنچه در بیانیه‌ای که در دوره‌ی انتخابات یازدهم منتشر نمودند: «بی شک تعیین معیارهای درست و دقیق «شایسته‌سالاری» از سوی جامعه و ایجاد گفتمانی راهگشا پیرامون آن می‌تواند در بلندمدت به گشودگی و دموکراتیزه شدن ساختار مدیریت کلان کشور یاری رساند. از این رو، ما زنان می‌خواهیم معیارهای «برابری طلبانه جنسیتی» در درون معیارهای عینی «شایسته‌سالاری» لحاظ شود، تا مسئولان و سیاستگذارانی که به راحتی زنان هموطن شان را تحقیر می‌کنند، منزلت آنان را پاس نمی‌دارند و حقوق برابر و عادلانه برای آنها را به رسمیت نمی‌شناسند، بدانند که در نظر مردم «شایسته»‌ی مدیریت تلقی نمی‌شوند.» این نهایت درک غیر واقعی از شرایط موجود است. یعنی یا نویسندگان بیانیه نسبت به نظام و شرایط ایران آگاهی

مشارکت سیاسی زنان در دولت، همواره یکی از مطالبات فعالین لیبرال و اصلاح طلب جنبش زنان بوده است. تاریخ سی و چند ساله‌ی جمهوری اسلامی در دوره‌های گوناگون نشان داده است که مشارکت سیاسی زنان جز در مواردی که منافع نظام را تأمین کند پذیرفته نیست. زنان از ابتدای شروع به کار این نظام، به نام مشارکت سیاسی، مرتجعین مختلف را جانشین یکدیگر کردند و هر بار نیرویی مرد سالار و ضد مردمی در این مشارکت انتخاب شد. در ساختار نظام نیز، زنان که تنها حق نمایندگی مجلس و اخیراً حضور در کابینه‌ی دولت را دارند، در بهترین شرایط فراتر از پنج درصد سهم ندارند و مهمتر از این در اکثر موارد مروج ایدئولوژی و سیاست‌های مردسالارانه‌ی حاکمیت و تصویب قوانین بر ضد زنان هستند. ۱۶ سال پیش، انتصاب ابتکار به سمت معاونت رئیس جمهور و رئیس سازمان محیط زیست، در دولت اصلاحات یک تابو شکنی به نظر آمد. ۱۲ سال بعد از آن، اولین وزیر زن در نظام جمهوری اسلامی وارد هیئت دولت مردانه شد. در دوره‌ی یازدهم ریاست جمهوری، چه در زمان تبلیغات کاندیداها، چه پس از اعلام نتایج و چه در هنگام معرفی وزرا، عدم حضور زنان قابل توجه بود به طوری که روحانی بارها مورد انتقاد زنان اصلاح طلب قرار گرفت و در پاسخ تأکید کرد از زنان در کابینه به عنوان معاون استفاده خواهد شد و در اولین اقدام «الهام امین زاده»، به معاونت حقوقی رئیس جمهور منصوب شد و در آخرین مورد، دو زن به عنوان سخنگوی وزارت امور خارجه و سقیر منصوب شدند. این مورد اخیر موافقین و مخالفین مختلفی داشت.

روزنامه شرق به نقل از مرتضی حسینی عضو هیئت رئیسه‌ی مجلس، پس از رسانه‌ای شدن مخالفت روحانیون با انتخاب افخم به عنوان سخنگوی وزارت امور خارجه می‌نویسد «انتخاب یک زن در مقام سخنگوی وزارت امور خارجه با حفظ شئون و تخصص لازم، برای نظام جمهوری اسلامی نکته‌های مثبتی به دنبال داشته و برای کشورهای منطقه نیز پیام خوبی است.» علی مطهری نیز از موافقان انتصاب زنان توانمند در پست‌های حساس و کلیدی می‌گوید: «اگر خانمی که برای این پست پیش‌بینی شده، توانمند باشد می‌تواند آثار خوبی داشته باشد، به‌ویژه وقتی از خانمی با پوشش اسلامی استفاده شود. این مساله نوعی ترویج موضوع حجاب است که برای کشور مفید است. اما اگر صرفاً به خاطر تظاهر به استفاده از خانم‌ها و نمایشی تبلیغاتی باشد کار خوبی نیست.» می‌بینیم که موافقان در طیف اصولگرا در تلاش هستند تا نشان دهند حجاب نه تنها مانعی برای حضور زنان در اجتماع نیست بلکه تأکید دارند که حضور زنان محجبه در ساختار سیاسی در جهت تبلیغ حجاب و تظاهر به عدم نابرابری جنسیتی در نظام مفید است.

در مقابل اصلاح طلبان و اصول‌گرایان موافق این اقدامات، برخی اصول‌گرایان مانند امام جمعه مشهد گفته است: «در دیدارم با روحانی به آیه هجده سوره مبارکه زخرف اشاره کردم و گفتم از جناب عالی در این خصوص انتظار نداشتیم. البته باید از زنان عالمه و فاضله در دولت استفاده کرد اما سخنگوی وزارت خارجه بیانگر سیاست خارجی یک دولت اسلامی و دینی است، لذا نباید در این خصوص خلاف آیه قرآن عمل کرد» این آیه از قرآن زن را در اساس یک وسیله‌ی زینتی دانسته و او را ناتوان از گرفتن حقوق خود می‌داند، آقایان هم نتیجه می‌گیرند بر اساس این آیه سمت‌های کلیدی نباید به زنان اعطا شود. خامنه‌ای هم در جلسه‌ای با حضور زنان (همان زنان که در قدرت سهم دارند!) می‌گوید: «مردواره

نگاهی به کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان

فعالین کمپین یک میلیون امضا، تحقیقی انجام داده بود در مورد زنانی که بدون ازدواج و بدون اطلاع خانواده‌ی خود با مردان زندگی می‌کنند. در این تحقیق او کوشیده بود بر دشواری‌ها و خطرات این نوع زندگی برای زنان انگشت بگذارد از جمله خشونت، بارداری‌های ناخواسته و در پی آن سقط جنین‌های مخفیانه و فشارهای روانی. صحبت‌های امجدیان بدون پرداختن به دلایل سیاسی-اجتماعی مشکلاتی که این زنان با آن روبرو هستند به پایان رسید. اگرچه عده‌ای عدم اظهار نظر سیاسی افرادی که از ایران آماده بودند را با پوشش ایجاد امنیت برای آنان توجیه کردند اما از عواقب عدم تعیین مواضع مشخص و ارائه تصویر و راهکارهای واقعی هیچ نگفتند.

میزگرد مهم این دوره، حجاب بود با سه سخنران. صدیقه وسمقی، اسلام پژوه و عضو دوره اول شورای شهر تهران. او که در حال حاضر به عنوان استاد مهمان در سوئد زندگی می‌کند پیش از این در آلمان استاد مهمان بود. عنوان سخنرانی او «حجاب در اسلام» بود. وسمقی که دنباله روی تفکر اصلاح در اسلام است، با تاکید بر اجباری نبودن حجاب در اسلام آن را ناشی از اعمال قدرت مردان دانست و سعی کرد از اسلام وجهه‌ای هماهنگ با حقوق زنان بسازد و تئوری‌های فمینیسم اسلامی را تقویت کند. او در جواب سوال یکی از شرکت‌کنندگان که پرسید «اگر حجاب در اسلام نیست پس چرا شما حجاب می‌گذارید؟» گفت «اگر من حجاب نداشته باشم آنهایی که قرار است به حرف من گوش کنند و نگرش جدید به اسلام داشته باشند دیگر به حرف من گوش نمی‌دهند.» او در نهایت صراحت نگاه ابزارگونه اش به حجابی که مفهوم عمیق ایدئولوژیک با مسئله زنان دارد را بیان کرد.

سخنرانی دوم با عنوان نقش قدرت و حجاب توسط شهلا شفیق ارائه شد. او که با اسلام مرزبندی‌های مشخصی دارد پیش از این در مناظره‌ای که در بی بی سی با آزاده کیان داشت از قانون منع برقع در فرانسه حمایت کرد. شفیق، حجاب را ادامه نظم جنسیتی معرفی کرد و تاکید نمود هر زمان دین به قانون تبدیل شود حجاب اعمال می‌شود و تنها راه حل، جدایی دین از سیاست است.

سخنران سوم، سیران آتش، زن ترک تبار مقیم آلمان بود. او که خود را مسلمان می‌داند مخالف حجاب است و مفهوم انتخاب حجاب را زیر سوال می‌برد چرا که به باور او زنی که با تعالیم مذهبی بزرگ شده نمی‌تواند به راحتی در مورد اختیار در انتخاب حجاب صحبت کند. او حجاب را مانند برهنگی ابژه گونه دانست و هر دو را ناشی از روابط مردسالارانه.

در بخش پرسش و پاسخ نیز به مفهوم اختیار اشاره شد و شهلا شفیق و سیران آتش تاکید کردند که انتخاب به خودی خود یک امر قطعی نیست و معلول محیط و آموزش محیطی است و به صرف اینکه زنان محجبه، حجاب را انتخاب کرده‌اند نمی‌توان آن را توجیه کرد.

متأسفانه در این بخش نیز که سیاسی‌ترین مفهوم مربوط به زنان را در این کنفرانس در بر می‌گرفت به صورت عمیق به کارکرد سیاسی

بیست و چهارمین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان از تاریخ ۴-۶ مرداد مصادف با ۲۶-۲۸ جولای در شهر کلن آلمان برگزار شد. عنوان اصلی این کنفرانس "زن، تن و اختیار" بود. این کنفرانس موضوعاتی نظیر حجاب، بکارت، جنسیت، رابطه جنسی و گرایش‌های جنسی را در بر می‌گرفت. در نگاه اول تعدد سخنرانان از داخل و خارج ایران و نیز حضور زنان غیرایرانی به عنوان سخنران، این تصور را ایجاد می‌کند که زنانی از طبقات و اقشار گوناگون جامعه با گرایش‌های متفاوت سیاسی در این کنفرانس شرکت کردند، اما بررسی دقیق تر اکثر سخنرانی‌ها و بررسی اجمالی سوابق سخنرانان، نشان از عدم حضور زنان از طیف‌های گوناگون فکری دارد. نبود زنان چپ و کمونیست، نمایندگان تشکلات زنان ایرانی، نمایندگان نشریات و سازمان‌های ویژه و یا انقلابی زنان و حضور پررنگ و پرتعداد زنان رفرمیست و اصلاح طلب همچون فعالین کمپین یک میلیون امضا و مدرسه فمینیستی یا زنانی مستقل با تفکرات غیرسیاسی در کنفرانس، با هدف بنیاد در گردهم آوردن زنانی با تفکرات گوناگون که تا کنون بر آن تاکید می‌کرد، متناقض بود.

به جز حجاب که با توجه به حساسیت آن به ویژه در ایران عموماً با مباحث سیاسی گره می‌خورد؛ عمده مباحث طرح شده اشاره‌ای به ارتباط مسئله‌ی زنان با مفاهیم سیاسی نداشت. ظاهر غیرسیاسی سخنرانی‌ها، نشان یک سیاست غالب در جهان امروز است که سعی دارد به مخاطب القا کند مباحثی نظیر فرهنگ، سنت، آموزش، باورهای مذهبی و خرافی، غیرسیاسی است.

به طور مثال در سخنرانی «نجمه موسوی» پیرامون «نقش سنت در مسئله‌ی زنان»، مقایسه‌ای بود میان دو زن فرانسوی با زنان ایران. یکی از این زنان فرانسوی بعد از سال‌ها زندگی با یک مرد و داشتن بچه اعلام کرده بود که همجنسگرا است و دیگری زنی نود ساله است که از شصت سالگی با مردی که سی سال از او کوچکتر است زندگی می‌کند. اما نجمه موسوی به ایجاد و ترویج فرهنگ ضدزن توسط نظام آموزشی مذهبی و قوانین اشاره نکرد. نظام آموزشی و قوانینی که از طریق دستگاه حکومتی قبل و بعد ۵۷ تبلیغ می‌شد و نقش قابل ملاحظه‌ای در تعریف اجتماع از زن و تعریف زن از خودش دارد. او حتی به تاثیر شکست انقلاب در تغییر الگوهای اخلاقی و رفتاری زنان در ایران اشاره نکرد.

مورد دیگر، سخنرانی سوده راد است، از دست اندرکاران ایجاد شعبه پاریس کمپین یک میلیون امضا. او در مطلب خود «بدن زن، پاشنه آشیل جنبش زنان»، مدعی شد که «جنبش زنان» در مورد موضوعات مربوط به بدن زن مثل بکارت، حجاب و ... «گفتمان» ایجاد نکرده است. البته منظور سوده راد از «جنبش زنان» همان کمپین یک میلیون امضاست که نزدیکی سیاسی و فکری بسیاری با جناح اصلاح طلب جمهوری اسلامی دارد. کمپین، راه حل مشکلات زنان را در سیاست غلط و معیوب لابیگری با جمهوری اسلامی جستجو می‌کند و از این رو از پرداختن به خط قرمزهای جمهوری اسلامی معذور است. اما سوده راد علاوه بر آنکه ضعف عمده‌ی زنان رفرمیست را به هم می‌چسباند زنان تسری داد در مورد دلایل سیاسی عملکرد زنان رفرمیست توضیحی نداد.

زارا امجدیان از ایران برای شرکت در این کنفرانس آمده بود. او که از

تجربه ی ارسال

تقصیر خودم بود!

راننده پشتی تا می بیند خانم هستم دستش را روی بوق می گذارد، راه می دهم. نزدیک شیشه ماشین می ایستد نیشش باز است و دندانهای زردش از لبان سیاهش بیرون زده است. "خانم ماشین لباسشویی نیست ها". مسافرهایی توی ماشین همه نیششان باز می شود. تا برسم هزار بار هزار تا حرف جدید می شنوم و مدام باید مواظب ماشینهایی که فرمانهایشان را به سمت من می چرخاند باشم. موقع رسیدن خسته هستم، اعصابم به کلی به هم ریخته است. فکر می کنم که واقعا جایگاه ما زنها در جامعه کجاست؟ مشکل تاکسی و اتوبوس و مترو و ... نیست که اگر اینها را عوض کنیم حل خواهد شد. مساله بزرگتر از این حرفهاست و تا وقتی آن تغییر نکند همه چیز همینطور است و آن چیزی نیست جز سیستمی که مرد سالار است و جامعه بر پایه این سیستم می چرخد. مسلما مردهایی هم هستند که برای زنان ارزش قایلند ولی مساله این فرد و آن فرد نیست. مشکل کلیتی است که ضد زن است و تا وقتی پابرجاست هیچ زنی طعم رهایی را نخواهد چشید. ❀

ساناز

به امید رهایی همه زنان



مسافر کناری مدام خودش را روییم می اندازد، دستش را در جیبش می کند و در می آورد، من به شیشه چسبیده ام اما هر قدر جمع تر می شوم او گشادتر می شود. موقع پیاده شدن تمام عضلات بدنم از بس منقبض مانده اند درد می کنند... (تقصیر خودم بود باید جلو می نشستم)

مسافر صندلی پشت زانوهایش را در ستون فقراتم فرو می کند، یادم هست موقع سوار شدن قد چندان هم نداشتم، باید با یک چیزی محکم بکوبم توی سرش، چیزی دم دستم نیست احتمالا فکر کرده خوشم آمده که حالا دستش را از کنار صندلی به سمت من می آورد... (تقصیر خودم بود باید با اتوبوس می آمدم.)

اتوبوس پر است ایستاده ام و دستم روی میله هاست، اتوبوس زیاد هم شلوغ نیست و چشمان او هم نابینا به نظر نمی رسد ولی دستش را درست در ۱۰ سانت از ۱۰۰ سانت میله ای که من دستم را گذاشته ام می گذارد. با خودم می گویم "چه تصادفی" و دستم را جابه جا می کنم اما تصادف مدام در طول میله اتفاق می افتد... (تقصیر خودم است باید این دو قدم راه را پیاده می آمدم.)

پیاده رو آنقدرها هم باریک نیست اما دوست دارد از منتهای علیه سمت من عبور کند، به اندازه ۸ نفر کنارش جا هست ولی با هم برخورد خواهیم کرد. کسی که باید جایش عوض کند، بایستد، جا خالی بدهد، راه بدهد و من هستم... (تقصیر خودم است باید با آژانس می آمدم.)

راننده آژانس مدام از آینه نگام می کند و لبخند می زند. سرم را باید تا انتهای مسیر به زاویه ۱۸۰ درجه به سمت شیشه بگیرم. مدام حرف میزند و از توی آینه منتظر جواب است. خودم را به نشنیدن می زنم. موقع پیاده شدن بس که گردنم را چرخانده ام دیگر صاف نمی شود. چشمانش به نظر سالم می آید اما بقیه پول را که می خواهد بدهد به جای اینکه در دستم بگذارد از آرنجم شروع می کند، البته من باید حواسم می بود و دستم را با دستش تنظیم می کردم. (تقصیر خودم است باید با ماشین شخصی می آمدم.)

ادامه «نگاهی به کنفرانس بنیاد...»

حجاب پرداخته نشد. اگر سخنرانانی از تفکرات دیگر جنبش زنان در این نشست حضور می یافتند به طور حتم به کارکرد فمینیسم اسلامی در کنار پدرخوانده اش، اسلام معتدل اشاره می کردند و تصریح می کردند که این قرائت جدید از اسلام علاوه بر آنکه آلترناتیوی است برای اسلام سیاسی طالبانی (که آمریکا و غرب آن را ساخته و بزرگ کردند و اکنون کارکرد خود را از دست داده)، قرار است سدی باشد در برابر افکار مترقی، رادیکال و چپ که می توانند آزادی را برای جهانیان به ویژه زنان رنگی واقعی ببخشند. فضای رفرمیستی این دوره ی بنیاد به نیروهای واپسگرا این امکان را داد تا به زنان بیاموزند که اسلام با اندک تغییری در ظاهر می تواند زنان جهان را رهایی بخشد و نهایت رهایی نیز همین خواهد بود. ❀

ستایش. ح

خبرگاه

طرحی علیه زنان

اعتراض پرستاران

طرح "جمعیت و تعالی خانواده" توسط برخی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دیگر متخصصان که در تاریخ ۱۱ مهر ماه در خبرها بیان شد، نه تنها طرحی پرهزینه و بی اثر، بلکه طرحی دانسته شده است که تبعیض علیه زنان و خانه نشین کردن آنان را نیز در بر دارد.

شهلا کاظمی پور، جمعیت شناس، در گفتگو با خبرگزاری ایلنا، ضمن نقد و بررسی این طرح از زوایای مختلف، از جمله در بخش مربوط به اشتغال زنان، اظهار داشت که در ماده ۹ این طرح در همه بخش‌های دولتی و غیر دولتی، اولویت استخدام به ترتیب با مردان دارای فرزند و سپس مردان متأهل فاقد فرزند و سپس زنان دارای فرزند داده شده و به کارگیری یا استخدام افراد مجرد واجد شرایط در صورت عدم وجود متقاضیان متأهل واجد شرایط بلامانع اعلام گشته است.

به گفته وی، این نوع رویکرد باعث ایجاد تبعیض و اعمال سلیقه و حذف تعداد زیادی از دختران تحصیل کرده جامعه از بازار کار و تقلیل دادن بازار اشتغال به تخصص کمتر خواهد شد. همچنین افزایش مرخصی مادران به ۹ ماه مقاومت کارفرمایان در استخدام زنان جوان را در پی داشته و عملاً به ضرر زنان جوان و به ویژه زنان تحصیل کرده خواهد بود.

این جمعیت شناس ماده ۲۸ این طرح مبنی بر بازنشستگی زنان شاغل با ۱۰ سال سابقه کار، در صورت تمایل آنان، را نیز زیانبار ارزیابی کرده و گفته است که این ماده برای زنان شاغل این خطر را دارد که مسئولین و کارفرمایان از اختیارات خود استفاده کرده و زنان را پیش از موعد بازنشسته کنند.

شهلا کاظمی پور ماده ۲۹ طرح را نیز، که شامل «بیمه اجتماعی چند لایه زنان متأهل خانه دار، متناسب با میزان تحصیلات و شان آنها، میزان درآمد در صورت اشتغال به کار و تعداد فرزندان آنان» می باشد، مورد انتقاد قرار داده و گفته است که با توجه به این که استخدام زنان مجرد با اجرای ماده ۱۱ این طرح بسیار محدود می شود، بنابراین تعدادی از دختران مجرد به زیر خط فقر خواهند رفت؛ چون امکان بیمه شدن آنها در این طرح دیده نمی شود.

عصیان: پس از اعمال تفکیک جنسیتی در محیط‌های آموزشی و به دنبال آن اعمال رشته‌های جنسیتی، که هر دو مورد در دوره ریاست جمهوری دولت‌های نهم و دهم پی ریزی و اجرا گردید، در دولت یازدهم شاهد تفکیک و تبعیض جنسیتی در حیطه‌ی اشتغال زنان هستیم به شکلی که صرفه‌ی اقتصادی زنان را کاهش داده و آنها را در عرصه‌ی کار بیش از پیش به فوق استثمار می‌کشاند. در شرایطی که قانون کار، بنگاه‌های کوچک را از شمول قانون کار خارج می نماید و عرصه‌های قانونی تمایلی به استخدام زنان ندارند. بنگاه‌های کوچک، به راحتی از زنان بهره‌کشی خواهند نمود و شرایط بسیار فلاکت بار موجود اقتصاد ایران زنان را بیش از پیش به تن دادن به این کارها خواهد کشاند. طبق گزارش برابری جنسیتی در فوروم اقتصاد جهانی، ایران از نظر برابری جنسیتی در رده ۱۳۰ از میان ۱۳۶ کشور قرار دارد و ادامه این شرایط، احتمالاً در سال‌های آتی به قعر جدول سقوط خواهد کرد. ۵

اخبار ۳۰ مهر ماه حاکی از آنست که بیش از ۲۰۰ نفر از پرستاران «مجمع بیمارستانی امام خمینی» در اعتراض به تأخیر در پرداخت اضافه کاری، کسر ۵ درصد از ساعت کاری و همچنین اضافه کار اجباری، در تالار این بیمارستان تجمع کردند. یک هفته پس از این تجمع پرستاران بیمارستان ۸۰ تخت خوابی شهرستان کهنوج، در اعتراض به حدود ۲۰ ماه حقوق پرداخت نشده و تحمیل اضافه کاری اجباری و بالای سقف ۸۰ ساعت، در محل بیمارستان تجمع و اعتراضات خود را بیان کردند.

کمبود نیروی پرستاری باعث شده تا پرستاران مجبور به تحمل اضافه کاری شوند و این موضوع، سختی کار پرستاران را دو چندان کرده است. محمد شریفی مقدم، عضو شورای عالی سازمان نظام پرستاری و دبیر کل خانه پرستار، در این رابطه با انتقاد از ضعف حاکم بر مدیریت وزارت بهداشت، گفته است که تنها کاری که وزیر جدید بهداشت در این مدت برای پرستاران انجام داده، حذف معاونت پرستاری بوده که پس از ۲۰ سال تلاش جامعه پرستاری، ایجاد شده است. وی حذف معاونت پرستاری وزارت بهداشت را در راستای تفاهم‌نامه معاون برنامه‌ریزی و راهبردی ریاست جمهوری با وزیر بهداشت، عنوان کرد و افزود: این معاونت با امضای معاون رئیس جمهور و وزیر بهداشت در راستای کوچک سازی دولت، حذف شده است. به گفته وی، وضعیت پرستاری به شدت دچار مشکل است و حذف معاونت پرستاری باعث شده تا جامعه پرستاری کشور دچار تنش و التهاب شود.

عصیان: بحران اقتصادی درون کشور که متأثر از بحران جهانی از یک سو و مناسبات طبقاتی، محوریت سود و باندهای گوناگون اقتصادی است در کنار فساد و دزدی‌های مختلف در ساختار دولتی، منجر به دشوارتر شدن شرایط زندگی عمومی افراد جامعه است. در این بین اقشار زحمتکش آماج اولین برنامه‌های دولت‌ها در صرفه جویی و عدم پرداخت بدهی‌ها هستند. در مورد اخیر که دولت با حذف معاونت پرستاری، از بار مسئولیت شانه خالی کرده و به بهانه‌ی کوچک کردن دولت دعا روا به صفوف روسای بیمارستان و پرستاران تقلیل داده است. آنچه می تواند در نتیجه بخش نمودن اینگونه اعتراضات موثر واقع شود، اتحاد سراسری پرستاران و همراهی آنها در مبارزات سایر اقشار زحمتکش جامعه همچون جنبش کارگری و جنبش معلمان است. اتحاد این جنبش‌ها و همراهی توده‌ی مردم خواهد توانست در مسیر تحقق انقلاب و برچیدن نظامی مبتنی بر ستم و استثمار حرکت کند. ۵



مصاحبه

مرکز خشونت در اروپا

از نگاه یک زن ایرانی

یعنی شدت خشونت در مهاجرها بالاتر است؟

نه. در مهاجرین نمی‌شود گفت شدت خشونت بیشتر است. در این مورد مثلا برای اروپایی‌ها خشونت‌های کلامی مصداق خشونت است البته این به معنا نیست که خشونت فیزیکی بین اروپایی‌ها نیست ولی برای مهاجرین بیشتر خشونت فیزیکی و تهدید به مرگ خشونت به حساب می‌آید. در کل باید بگویم اگر زن‌های غیرمهاجر در این مرحله‌ی اولیه به ما مراجعه نکنند به احتمال زیاد مراحل بعدی مثل زن‌های مهاجر در معرض خطر قرار می‌گیرند ولی چون زودتر عکس‌العمل نشان می‌دهند از پیشرفت خشونت جلوگیری می‌شود اما زن‌های مهاجر چون آگاهی کمتری دارند وقتی به مرکز می‌آیند که دیگر مراحل اولیه را رد کردند و خشونت ابعاد خطرناک تری دارد.

به نظر شما چرا آستانه تحمل مهاجرها بالاتر است؟

بیشتر کسانی که اینجا هستند پناهنده جنگ و ... هستند و معمولا دوران‌های سختی را در کشور خود گذرانده‌اند و همچنین با توجه به نحوه تربیت مهاجرها در کشورهايشان تحمل زنان در برابر سختی بیشتر است که البته اصلا خوب نیست. چون بیشتر مواقع زنان خشونت را حق خود می‌دانند. به عنوان مثال بیشتر پرونده‌هایی که می‌آید این سوال در بین سوال‌ها هست که آیا به شما تجاوز شده و بیشتر زنان به ویژه مهاجرها می‌گویند «نه» وقتی می‌پرسیم از سکس با همسر خود راضی بودید؟ می‌گویند «من که مهم نیستم او کار خود را می‌کند و می‌رود» و این زنان نمی‌دانند که سکس اجباری مصداق تجاوز است.

آیا دولت سعی در آگاه کردن این زنان دارد؟

متأسفانه این جز هدف‌های این کشور نیست با توجه به این که سال‌هاست پناهنده و مهاجرپذیر است اما هیچ برنامه‌ای ندارند و بیشتر مواقع چون زنان از سطح سواد کمی برخوردارند و با ساکنین این کشور ارتباط زیادی ندارند نمی‌توانند اطلاع کافی بدست بیاورند. من چند بار به مدرسه مهاجرین برای روزهای مثل ۲۵ نوامبر یا ۱۱ دسامبر (روز دختر) رفتم و در مورد خشونت صحبت کردم ولی بیشتر زنان جرات و اعتماد به نفس سوال پرسیدن را ندارند و یا به اندازه‌ی کافی زبان بلد نیستند تا وارد بحث شوند. حتی من پیشنهاد دادم که کلاس‌های زنان و مردان را از هم جدا کنیم تا زنان راحت تر باشند و بیشتر بتوانند سوال بپرسند اما قبول نکردند و گفتند این تفکیک، نوعی آپارتاید جنسی است. سعی کردم توضیح بدهم که این نوعی تبعیض مثبت و در راستای توانمندسازی زن‌هاست و این که وقتی فردی در شرایط نابرابر رشد کرده و درک کافی از توانایی‌های خود ندارد، قوانین برابر به نابرابری دامن می‌زند.

نتیجه چه بود؟

گفتند این طرح امکان‌پذیر نیست. البته در این کشور قوانین تبعیض مثبت در مورد ورود به رشته‌های مردانه در دانشگاه و اولویت زنان برای

شما مدتی در یک خانگی امن و یا یک مرکز حمایت از خشونت دیدگان در شمال اروپا در یکی از کشورهای اسکاندیناوی کار می‌کردید. لطفا کمی در مورد خدمات این مرکز بگویید.

این مرکز علاوه بر کمک‌های مشاوره‌ای، خانگی امنی برای زنان و مردانی است که در معرض خشونت‌اند و در این مدت در مرکز هستند تا به زندگی طبیعی خود برگردند.

چه میزان مراجعه کننده دارید؟

با توجه به این که کشوری که در آن ساکن هستم کشور پرجمعیتی نیست در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ حدود ۱۰۰ زن و ۳ مرد مراجعه کردند که حداقل ۲ روز در خانه امن ماندند. از این ۱۰۰ زن ۴۵ زن خارجی بودند.

پس میزان مراجعین غیرمهاجر کم نیست؟

بله دقیقا. البته میزان مراجعه نشان دهنده‌ی میزان خشونت واقعی در بین مهاجران نیست. چون خارجی‌ها خیلی کمتر مراجعه می‌کنند و باید در معرض خطر جدی باشند تا به این مراکز بیایند.

خشونت در باورها و فرهنگ‌های مختلف و در پی آن در قانون‌های گوناگون، متفاوت هست. در مرکز شما و یا در کل کشوری که زندگی می‌کنید تعریف خشونت چگونه است؟

در مرکز ما بیشتر به خشونت رابطه نزدیک یعنی خشونت‌هایی که از طرف آشنایان درجه یک بر زن وارد می‌شود خشونت می‌گویند مثل پدر و برادر، شوهر و دوست پسر و با توجه به امنیت ظاهری اجتماع کمتر با خشونت‌های اجتماعی روبرو هستند و هر نوع برخوردی که از سوی نزدیکان انجام شود و برای زن یا مرد عدم امنیت به وجود بیاورد شامل خشونت می‌شود. البته خشونت انواع مختلف دارد. خشونت فیزیکی، روانی، جنسی، اقتصادی، اجتماعی، پنهان، آنالیز کردن و ایزوله کردن و ... و بیشتر این خشونت‌ها خود دسته بندی می‌شوند.

خشونت ایزوله کردن و آنالیز رفتاری به چه معنی است؟

خشونت ایزوله کردن یعنی منزوی کردن زن در محیط خاص و به وی اجازه ندهیم با بیرون ارتباط داشته باشد. آنالیز رفتاری یعنی بررسی کردن رفتار و گفتار زن و بازخواست کردن زن برای رفتار و یا گفتارش در اجتماع.

سطح خشونت چگونه است؟

خوب متفاوت است. شاید یکی مراجعه کند و کتک خورده باشد و یکی بیاد و فقط عدم امنیت داشته باشد یا یک نفر بخواهد طلاق بگیرد اما در مجموع آستانه تحمل مهاجرها بیشتر است. اگر زن مهاجری بیاید تصمیم جدی برای طلاق دارد و متأسفانه بیشتر زنان مهاجر پس از اینکه به مرکز مراجعه می‌کنند تحت حفاظت پلیس قرار می‌گیرند چون معمولا از سوی خانواده در معرض خطر جدی هستند و مرکز وظیفه‌اش حفاظت است.

خبرگاه

کمبود بودجه ورزش زنان

زنان ورزشکار ایران علی‌رغم همه تبعیض‌ها و شرایط سختی که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، و با وجود بی‌توجهی‌هایی که به این بخش از ورزش صورت گرفته، در میادین مختلف خوش درخشیده‌اند. در این رابطه هم می‌توان به موفقیت‌های زهرا نعمتی در بازی‌های پارالمپیک و الهه احمدی در المپیک و سایر زنان در بازی‌های آسیایی، قهرمانی جهان و آسیا اشاره کرد.

بهرام افشارزاده، دبیر کل کمیته ملی المپیک، گفته است که «ما با ۲۹ ورزشکار زن در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی ۲۵ مدال شامل ۱۱ طلا، ۷ نقره و ۷ برنز گرفتیم»، اما واقعیت این است که یکی از موانع همیشگی بر سر راه ورزش زنان کمبود منابع مالی است.

به گزارش بهارنیوز، علی‌رغم صدور دستورالعمل‌های مختلف از سوی وزارت ورزش و جوانان برای اختصاص بخشی از بودجه به ورزش بانوان، روسای فدراسیون‌ها کارشکنی کرده و حاضر نشده‌اند حق مسلم زنان را به آنها بپردازند و برعکس تمامی اعتبار فدراسیون‌شان را صرف تیم‌های مردان کرده‌اند.

بهار نیوز در ادامه نوشته است که شاید در این میان به جای تخصیص‌های ۱۰ درصدی، ۳۰ درصدی، و یا ۵۰ درصدی بودجه فدراسیون‌ها برای بانوان و عملیاتی نشدن قانون توسط روسای فدراسیون‌ها، بهتر باشد که بودجه جداگانه‌ای برای زنان در نظر گرفته شود و به طور مستقیم هم در اختیار خودشان قرار بگیرد تا با خیالی آسوده و بدون تدبیر اندیشی روسای فدراسیون‌ها، امکان برپایی اردوها و حضور در مسابقات برای بانوان ورزشکار فراهم شود.

مشکل دیگر نبود یک چارت تشکیلاتی ثابت و تغییرات مداوم در دوره‌های مختلف است که علت آن هم بی‌شک نگاه‌های سلیقه‌ای به ورزش بانوان بوده و در هر دوره مدیریتی با قالب‌های متفاوتی از جمله مرکز، اداره کل یا معاونت فعالیت کرده است.

عصیان: بحث پیرامون کمبود امکانات در فعالیت‌های مربوط به زنان از ابتدای حاکمیت جمهوری اسلامی مطرح است. چندی پیش طنین نراقی فوروارد تیم فوتسال زنان در اعتراض به این مسئله از سوی کمیته‌ی انضباطی مورد برخورد واقع شد و سایر زمینه‌های ورزشی مربوط به زنان نیز در این شرایط هستند. با این وجود زنان در تمامی عرصه‌ها به خوبی کار می‌کنند. رهایی از این مسائل در پرتو از میان رفتن مناسبات مردسالار است تا ورزش و فعالیت‌های ورزشی به گونه‌ای فرا جنسی دیده شود و امکانات برابر در اختیار ورزشکاران قرار گیرد.

گرفتن کارهای مردانه وجود دارد اما در مورد مسائلی که تفکیک به وجود بی‌آورد بدون در نظر گرفتن جوانب دیگر برخورد می‌کنند.

آیا قوانین حمایتی برای زنان کافی است؟

این که زنان حق طلاق دارند و دولت از آنها حمایت می‌کند خیلی خوب است. مادر تنها از حقوق خوبی برخوردار خواهد بود. حق هر مادری است که ۵ روز از ماه از پرستار کودک استفاده کند تا وقت آزاد برای خودش داشته باشد. در مورد زنان مهاجری که از سوی خانواده در معرض خطر هستند به خصوص خانواده‌هایی که به عشیره پایبندند همیشه تهدید به مرگ از سوی خانواده وجود دارد به این دلیل زمانی که در خواست طلاق می‌کنند سریعاً هویت زن و کودکانش عوض می‌شود یعنی اسم و فامیل آنها را عوض می‌کنند. همیشه تحت حفاظت پلیس‌اند و پلیس حداقل امکان اجازه سفر به کشورزادگانشان را نمی‌دهد و اگر سفر خیلی ضروری باشد باید در کشور متبوع با سفارت این کشور در ارتباط باشند. در مورد ناقص‌سازی جنسی کودکان برای خانواده‌های سومالیایی شرایط خاصی هست. معمولاً باید سفر بچه‌ها را گزارش کنند یا اگر معلم مورد مشکوکی دید باید به اداره حمایت از کودکان اطلاع بدهد؛ مثلاً در میان سال تحصیلی بچه را به سفر بردن کمی عجیب است و باید گزارش داده شود. عدم حضور دختران سومالیایی اگر طولانی مدت باشد یا بدون خبر و ناگهانی صورت گیرد باید از طرف معلم اعلام شود. ازدواج‌های اجباری به خصوص بین پاکستانی‌ها و کردها خیلی زیاد است برای همین اگر ازدواج ناخواسته باشد زمانی که بچه به کشور بازگشت می‌تواند به مرکز مراجعه کند و تحت حمایت قرار گیرد و ازدواج باطل شناخته خواهد شد. اما اکثر این قوانین حمایتی برای کمک به زن خشونت دیده است ولی در کل ساختار، روش و برنامه‌ی مشخصی برای حذف کامل خشونت ندارند.

هزینه‌های مالی افرادی که به این مراکز مراجعه می‌کنند، چگونه تامین می‌شود؟

مسئله اقتصادی بستگی به شهرداری هر شهر متفاوت است مثلاً در مراکز که در پایتخت این کشور هستند غذا و .. باید خریداری شود اما در بعضی مراکز همه امکانات رایگان هست و کیل، مشاور، دکتر، هزینه درمان همه رایگان هست و حتی در تهیه خانه و وسایل خانه نیز به زنان کمک می‌کنند و تنها برای مشروب و سیگار پولی داده نمی‌شود.

شما گفتید مرکز برای زنان و مردان در معرض خشونت هست؟

بله برای مردان هم هست اما میزان مردان در معرض خشونت بسیار کمه در حدی که در بیشتر مراکز برای مردان این خدمات وجود نداره مثلاً در مرکز ما ۱۱ سوئیت داشتیم و تنها ۲ اتاق مجردی برای مردان بود بقیه برای زنان. بیشتر مردانی که مراجعه می‌کنند همسرشون دچار بیماری‌های روانی‌اند و برای نجات کودکانشان به این مراکز می‌یان مثلاً نمونه‌ای داشتیم که مادر وسواس داشت و بچه را با مواد ضد عفونی کننده قوی حمام می‌داد مثل وایتکس. برای همین پدر و کودک خونه را ترک کرده بودند.

آیا این خدمات شامل همه ساکنین این کشور می‌شه؟

بله البته باید بگویم شامل کسانی که اقامت دائم این کشور را دارند. به عنوان مثال خانمی به صورت ازدواجی مهاجرت کرده بود و با همسرش مشکل جدی داشت به پلیس مراجعه کرده بود و پلیس او را به مرکز ما معرفی کرد اما مرکز گفت چون شما تحت حمایت شهرداری نیستید و همسرتون با هزینه خودش شما را آورده ما نمی‌تونیم به شما هیچ امکاناتی بدیم اما اگر در کمپ‌های پناهندگی باشن شامل این امکانات می‌شوند و مواردی بوده که زن در معرض خشونت بوده و به این دلیل درخواست اقامتش پذیرفته شده و همسرش بازگرداننده شده.

خبرگاه

گزارش ویژه سازمان ملل درباره خشونت علیه زنان

که در فاصله ای کمتر از یک دهه دستگیر و اعدام شدند رهبران یک نسل انقلابی بودند و و نتیجه سرکوب آنها اکنون بعد از ۳۴ سال کاملاً بر همگان و نسل‌های بعد روشن است. زندگی و موقعیت کنونی مردم و ما که اکنون همسن و سال آن رهبران در آن زمان هستیم نتیجه آن سرکوب‌هاست. نتیجه سرکوب و اعدام موج زنان رادیکال و انقلابی، جامعه‌ای است که زنان در آن فرو دست و درجه دوم هستند. زنانی که هیچ اختیار و استقلالی ندارند و تحت تسلط مردان خانواده هستند. زنانی که برای تحقیر و عقب مانده ماندن در حصار حجاب پیچیده شده‌اند. زنانی که ارزش آنها به این است که همسری مطیع و مادری فداکار باشند. انتظار هیچ اتفاق مهمی را از هیچ سازمان بین‌المللی نباید داشت. در زمانی که این جنایت رخ داد همه کشورهای مدعی حقوق بشر سکوت کردند و اکنون به دلیل تغییر منافعشان و سیاست‌هایشان با یکدیگر به سخن آمده‌اند که چنین اتفاقی افتاده است. اکنون نباید انتظار داشت که دیگری هستند که ما را نجات دهند. آن نسل اگر از بین رفت اما افکار و آرمان‌ها و اهداف آنها نه تنها نمرد که زنده‌تر و گویاتر از همیشه در مقابل روی ما است. امید که نمایندگان شایسته‌ای برای زنانی باشیم که تا آخرین لحظه زندگیشان تن به زور و تحقیر ندادند و در مقابل سرکوبگرانشان سر خم نکردند. ❧



گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره خشونت علیه زنان در تازه‌ترین گزارش خود به موارد متعدد شکنجه جنسی زندانیان سیاسی و عقیدتی زن در ایران اشاره کرده است. رشیدا مانجو در گزارش خود با عنوان "گذری به عواقب و پیامدهای حبس بودن زنان" به انواع شکنجه جنسی که از دهه ۶۰ تاکنون در زندان‌های ایران متداول بوده می‌پردازد و با استناد به تحقیقات سازمان عدالت برای ایران که در مجموعه دو جلدی "جنایت بی عقوبت" منتشر شده می‌نویسد: "یک تحقیق جدید، از موضوع تجاوز به زندانیان سیاسی زن در جمهوری اسلامی در طول دهه ۶۰، شامل تجاوز به دختران پاکره قبل از اعدام، ازدواج اجباری و سایر اشکال خشونت جنسی که برخی آنها تا امروز هم ادامه یافته است، پرده بر می‌دارد."

گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره خشونت علیه زنان در بخش دیگری از گزارش خود نیز به این واقعیت که در بسیاری از کشورها، هرچه فعالیت سیاسی و مدنی زنان افزایش می‌یابد، میزان زندانیان سیاسی و عقیدتی زن نیز بیشتر می‌شود می‌پردازد و سپس با اشاره به تحقیق "جنایت بی‌عقوبت" در مورد ایران چنین گزارش می‌دهد: یک گزارش جدید درباره جمهوری اسلامی ایران مستند به مصاحبه‌هایی با زنان زندانی سیاسی و عقیدتی سابق نشان می‌دهد که زنان به دلایل مختلف، از جمله همکاری با گروه‌های سیاسی مخالف، دفاع از حقوق زنان، فعالیت‌های دانشجویی، کار با سازمان‌های غیردولتی، دفاع از حقوق همجنسگرایان و ترنسجندرها و یا دفاع از حقوق اقلیت‌های مذهبی، یا فعالیت‌هایی منفرد به عنوان روزنامه نگار، وبلاگ نویس و مدافع حقوق بشر، یا شرکت در اعتراضات و یا شکل‌های دیگر فعالیت مدنی و سیاسی از جمله همکاری با اقلیت‌هایی که به رسمیت شناخته نمی‌شوند و نیز، خشونت‌هایی که به قوانین مربوط به حجاب اجباری مربوط است، دستگیر می‌شوند.

رشیدا مانجو، در بخشی از گزارش خود که به شکنجه روانی زندانیان زن اختصاص دارد نیز به ایران می‌پردازد و می‌نویسد: "در جمهوری اسلامی ایران، از شکنجه‌های روانی شدید برای اخذ جزییات درباره روابط جنسی زندانیان و تحت فشار قرار دادن آنها با تهدید افشای آن روابط، برای وادار کردنشان به پذیرش اتهام جاسوسی، استفاده می‌شود. دیگر روش‌های آزار روانی، ارباب، آزار کلامی در بازجویی‌ها و خطاب دادن قربانیان به عنوان حرامزاده یا نامشروع است."

عصبیان: به هر حال در مورد زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و به طور خاص تر زندانیان سیاسی زن که موضوع این گزارش است مهم است که بر سر این جنایت تاریخی دائماً افشاگری شود و خواهان مجازات عاملین آن بود ولی از آن مهمتر این است که این اتفاق به چه دلیل و در چه شرایطی و با چه هدفی اتفاق افتاد. این جنایت با هدف سرکوب نه یک نسل بلکه دو سه نسل بعدی صورت گرفت. نسلی

ادامه «حضور زنان...»

خواست بنیادی در نظامی که برتری مرد بر زن یکی از بنیادی‌ترین اصول و حکم محرز متون مقدسش است، قابل تحقق نیست. تمامی افرادی که برای نظام جمهوری اسلامی کار می‌کنند در جهت تثبیت نظام مردسالار و ضد زن گام برمی‌دارند. واقعیت این است که مشارکت سیاسی زنان در نظام‌های ارتجاعی و بر اساس قوانین اسلامی، نمی‌تواند منافع زنان را محقق کند و این زنان اکثراً به پیروی از اصول حاکم می‌پردازند. بنابراین چانه زنی از بالا راه‌هایی زنان نیست، زنان باید آگاهانه و متشکل به مصاف با تمامی مظاهر ستم بر زن رفته و در اتحاد با سایر جنبش‌های اجتماعی چارچوب موجود را در هم شکنند و دنیایی عاری از مردسالاری و تمامی نهادهایی که مروج آن است پدید آورند. ❧

ندارند یا به شعور مخاطبان‌شان توهین کرده‌اند. اول اینکه در نظامی وابسته که دارای مناسبات سنتی و عقب مانده است، صرف شایسته سالاری، قادر به حل مشکلات اجتماعی نیست. دوم اینکه افراد جامعه در انتخابات این نظام نقش ندارند و مکانیسم انتخابات نیز در زدودن نگرش مرد سالارانه موجود در جامعه‌ی جهانی مؤثر نیست. آنچه در جهت از میان برداشتن تضاد زن و مرد مفید است، تغییر بنیادی ساختار جامعه‌ی طبقاتی است که از زنان سلب مالکیت کرده و حقوق انسانی آنها را به رسمیت شناسد. مطالبات حقیقی زنان، کسب حقوق انسانی است. حقوقی انسانی که در گوشه گوشه‌ی این جامعه محتمل تبعیض، تحقیر و ستم نباشند. این